



۲۰۱۶/۰۵/۰۳



م. نسیم اسیر
ملک الشعراى افغانها در هجرت

جفنگ دگران!!!

از نگاه دیپلوماسی، روابط سیاسی با همسایگان از ضروریات است، اما نه به سرحد پستی و دنائت، چنانکه برهان الدین ربانی برای حفظ مقام مذلتبار خود، اولین دست دوستی را به دشمن ترین دولت یعنی فدراسیون روسیه دراز کرد و ذلیلانه، «غرامات جنگی» حق مسلم مردم به خون کشیده شده افغانستان را (بدون اینکه صلاحیت آنرا داشته باشد) به دشمن بخشید و اینک اشرف غنی هم توسط مشاور امنیتی خود سلسله جنبان همان مذلت شده است. نوشته گرانقدر احسان الله مایار در سایت وزین آریانا افغانستان آنلاین، در مذمت از وابستگی های اخیر دولت عدم وحدت ملی با پذیرفتن ده هزار کلاشنیکوف از فدراسیون روسیه، مرا به یاد منظومه ای انداخت که هنگام زعامت نوکر منشانه حزب دیموکراتیک خلق و فرمانبرداری اعضای حزب از هدایات کرملین نشینان، سروده شده است و می خواهم به حیث تکرار حسن بدست نشر بسپارم:

ای سرا پا شده محصور به چنگ دگران	رنگ خود باخته، برداشته رنگ دگران
نغمه بلبل باغ و طنت نیست به یاد	ای سر و گوش نهاده، به جفنگ دگران
خسته دست تو به زنجیر اسارت، هیهات	بسته پای تو به هر رقص، به زنگ دگران
ننگ و ناموس وطن داده زکف، اما خود	می کنی غیرت بیگانه و ننگ دگران
مسجد و خانقه ویران و دیانت پا مال	دل و دین داده به گنگ و به گرنگ دگران
این عجب نیست که از خویش فراموش کرده؟	داس بیگانه بگیری و کلنگ دگران
شیشه های دل احباب شکستی به ستم	نه بسنگ خود مان، حیف، به سنگ دگران
ای ز خود رفته، بخود آئی که تا چند ترا	بفریبد سخن رنگ به رنگ دگران
ای تهی جام تو از باده مردی و غرور	مست گردیده ز پیمانۀ بنگ دگران
دل افسرده، ز بیگانه پرستی خون است	سینه پر درد ز تیر و ز خدنگ دگران
(اسپ تازی شده مجروح به زیر پالان)	گشته سر قافله ما، خر لنگ دگران

تا ز چنگ دگران وارهی امروز (اسیر)

زود بردار قلم، از پی جنگ دگران

م. نسیم (اسیر) جولای ۲۰۱۶م، بن المان